

متن بر جنایت

بایت های اسرائیل می شود؟

یک الگوی تکرار شونده می خواند که صرفاً شامل اسرائیل نمی شود: «واکنش آمریکا به جنایات جنگی اسرائیل نه منحصربه فرد است و نه غیرمنتظره. ایالات متحده از زمانی که به یک ابر قدرت جهانی بدل شد، بارها جنایات متحدانش را که با تسلیحات آمریکایی انجام شده، انکار کرده، کم اهمیت جلوه داده یا بر آن ها سرپوش گذاشته است. همچنین، تلاش ها برای پایان دادن به خشونت را با استفاده از حق وتو در سازمان ملل مسدود کرده و نهادهای حقوقی بین المللی و سازمان های حقوق بشری را به دلیل تلاش برای پاسخگو کردن عاملان بر اساس حقوق بشردوستانه بین المللی، مورد حمله قرار داده است.»

به نوشته نیولاینز، در سال ۱۹۷۱، ژنرال یجی خان، رهبر رژیم پاکستان، نتایج انتخاباتی را که به ابوزیسیون تحت سلطه بنگالی ها پیروزی آشکاری می بخشید، نپذیرفت. در پی این مخالفت، بنگلادشی ها جنگ استقلال را علیه او آغاز کردند. طی آن ۹ ماه نبرد، بین ۵۰۰ هزار تا ۳ میلیون غیر نظامی توسط نیروهای پاکستانی کشته شدند، بین ۲۰۰ هزار تا ۴۰۰ هزار زن بنگلادشی مورد تجاوز قرار گرفتند و بیش از ۱۰ میلیون نفر به هند گریختند. به رغم این خشونت نسل کشانه، دولت ریچارد نیکسون تحریم تسلیحاتی پیشین علیه پاکستان را نقض کرد. آمریکا حتی کشورهایی مانند اردن و ایران (متحدان وقت آمریکا) را که کمک نظامی دریافت می کردند، تشویق کرد تا تسلیحات آمریکایی را به ژنرال های پاکستانی برسانند. چندین مقام در کنسولگری آمریکا در داکا، اعتراضات شدیدی را نسبت به رضایت واشنگتن به این نسل کشی مطرح کردند و آن را «ورشکستگی اخلاقی» خواندند. سفیر آمریکا در هند نیز از نیکسون خواست به حمایت از رژیم پاکستان پایان دهد. این درخواست ها رد شد و آر چر بلا، سرکنسول آمریکا که درباره نسل کشی جاری هشدار داده بود، فوراً برکنار و فراخوانده شد.

نمونه دیگر از نسل کشی که ایالات متحده در آن نقش داشت، در تیمور شرقی رخ داد. بر اساس گزارش «کمیسون پدیرش، حقیقت و اشتهی در تیمور شرقی» (که تحت نظارت سازمان ملل تأسیس شد)، بین ۱۰۲،۸۰۰ تا ۱۸۳،۰۰۰ غیرنظامی در نتیجه اشغال اندونزی (بین ۱۹۷۵ تا ۱۹۹۹) جان باختند. این افراد با مستقیماً به قتل رسیدند یا بر اثر محاصره های طولانی مدت مناطق تحت کنترل مقاومت، از گرسنگی مردند. با توجه به جمعیت ۶۰۰ هزار نفری تیمور شرقی در آن زمان، این آمار به نسبت، یکی از بدترین نسل کشی های تاریخ محسوب می شود.

علاقه ژنرال سوهارتو به کشتار جمعی در دوران دیکتاتوری اش (۱۹۶۷-۱۹۹۸) بر کسی پوشیده نبود. رژیم نظامی او که مورد حمایت آمریکا بود، بین نیم میلیون تا یک میلیون چپ گرا و همچنین

اعضای اقلیت های چینی و «آبانگان» را به قتل رساند.

یکی دیگر از نمونه های نسل کشی که در آن رد پای حمایت آمریکا دیده می شد، در گواتمالا رخ داد. «کمیسون شفاف سازی تاریخی گواتمالا» تخمین می زند که در طول جنگ داخلی این کشور (۱۹۶۰-۱۹۹۶) نزدیک به ۲۰۰ هزار مورد مرگ و ناپدید شدن رخ داده که اکثریت قریب به اتفاق قربانیان، غیرنظامی بودند. بدترین کشتار ها در دوران حکومت ژنرال افرین ریوس مونت اتفاق افتاد و دست کم ۱۰۰ هزار دهقان «مایا» در این دوره اعدام شدند. واحدهای نظامی و اطلاعاتی آمریکا از سال ۱۹۵۴، یعنی از زمانی که ایالات متحده کودتایی نظامی را برای سرنگونی خاکوبو آرینز، رئیس جمهور اصلاح طلب و منتخب گواتمالا، مهندسی کرد، از نزدیک با ارتش این کشور همکاری داشتند. دولت کارتر کمک نظامی مستقیم به گواتمالا را به دلیل نقض گسترده حقوق بشر به حالت تعلیق درآورد، اما این کمک ها اندکی پس از روی کار آمدن رونالد ریگان در ژانویه ۱۹۸۱ از سر گرفته شد. ریگان، همانطور که پیش تر در دفاع از کمک نظامی به دیگر متحدان مسئله دار انجام داده بود، گزارش های گروه های حقوق بشری درباره نسل کشی جاری را رد کرد. او اصرار داشت که به ریوس مونت «نارو زده شده» و او در واقع «مردی با سلامت نفس عالی» است.

مردم آمریکا چگونه فکر می کنند؟

در سال های اخیر حمایت مردم آمریکا از اسرائیل به ویژه در نسل جوان به طور قابل توجهی کاهش یافته است.

بر اساس نظرسنجی جدید شورای روابط بین الملل شیکاگو، تنها ۴۱ درصد از آمریکایی ها باور دارند که ارتش آمریکا باید از اسرائیل دفاع کند، «حتی اگر همسایگانش به آن حمله کنند.» این رقم، در مقایسه با ۵۳ درصد در سال ۲۰۲۱، کاهش چشمگیری را نشان می دهد و پایین ترین سطح حمایت ثبت شده از سال ۲۰۱۰ (زمان آغاز این نظرسنجی) است. در مجموع، ۵۵ درصد آمریکایی ها با ایده اعزام نیرو برای دفاع از اسرائیل مخالف هستند. این کاهش حمایت در میان طرفداران هر دو حزب دیده می شود: پشتیبانی جمهوری خواهان (که معمولاً سرسخت ترین حامیان اسرائیل به شمار می روند) از ۷۲ درصد در سال ۲۰۲۱ به ۵۵ درصد سقوط کرده است. در میان دموکرات ها نیز این حمایت از ۴۲ درصد به ۳۵ درصد کاهش یافته است. این نظرسنجی در بازه زمانی ۲۱ ژوئن تا ۱ ژوئیه انجام شده است.

با این حال، آمریکایی ها همچنان به مأموریت های حفظ صلح اعتقاد دارند؛ ۵۴ درصد آن ها موافقت که در صورت دستیابی به توافق پایدار میان اسرائیل و فلسطینی ها، نیروهای حافظ صلح به منطقه اعزام شوند.

پیشتر نیز در ماه آگوست، در شرایطی که جنگ همچنان ادامه داشت، نظرسنجی دانشگاه کوبنبییک نشان داد که نگاه افکار عمومی در آمریکا نسبت به اسرائیل در حال تغییر جدی است. به گزارش پولیتیکو، در این نظرسنجی، در پاسخ به پرسشی درباره همدردی با طرف فلسطینی یا اسرائیلی، ۳۷ درصد شرکت کنندگان همدردی با فلسطینی ها و ۲۶ درصد همدردی با اسرائیلی ها را انتخاب کردند. نشریه پولیتیکو نوشت که این ارقام بالاترین میزان همدردی با فلسطینی ها و کمترین میزان همدردی با اسرائیلی ها در نظرسنجی های کوبنبییک از سال ۲۰۰۱ تا کنون است.

اگر حمایت آمریکا از اسرائیل قطع شود چه اتفاقی می افتد؟

در وهله اول، توان نظامی اسرائیل به شدت تضعیف می شود. این به معنای متوقف شدن رفتارهای تهاجمی و جنگ طلبانه اسرائیل در منطقه خواهد بود که نمونه های آن در جنگ ۱۲ روزه با ایران یا حمله به قطر مشاهده شد. قطع حمایت آمریکا به معنای از دست دادن سامانه های دفاعی حیاتی مانند گنبد آهنین و پیکان (که بخشی از بودجه شان توسط آمریکا تأمین می شود) و همچنین از دست دادن قابلیت پنهان سازی تصاویر ماهواره ای تجاری است که به دشمنان اسرائیل، اجازه رصد ندهن خاک سرزمین های اشغالی را می دهد.

در عرصه بین المللی، مصونیت دیپلماتیک اسرائیل بلافاصله از بین می رود. با حذف وتوی آمریکا در شورای امنیت و حمایت آن در دادگاه های بین المللی، امکان پیگیری حقوقی جنایات های اسرائیل فراهم می شود. از نظر اقتصادی، اگر چه قطع حمایت باعث فروپاشی کامل و فوری نمی شود، اما وابستگی شدید اسرائیل به آمریکا به ویژه در بخش تسلیحات پیشرفته و به عنوان «پشتوانه» مالی، تبعات سنگینی خواهد داشت.

در سطح منطقه ای، حذف آمریکا می تواند بزرگترین مانع بر سر راه یک راه حل واقعی تلقی شود. مصونیتی که آمریکا به اسرائیل برای اقدام علیه همسایگانش می دهد، از بین رفته و اسرائیل یا مجبور به کنار گذاشتن رفتار های غیر قانونی و پایان دادن به اشغالگری می شود (که می تواند به معنای پایان اسرائیل باشد) یا تلاش می کند قدرت خود را بدون آمریکا بر سایر بازیگران منطقه ای تحمیل کند که احتمالاً ممکن نخواهد بود.

فان افز در تحلیلی نوشته است: «اسرائیل با جنگ غزه و سیاست های توسعه طلبانه خود، سیمای خاور میانه را به گونه ای تغییر داده است که کمتر کسی انتظار داشت. حمله به رهبران حماس در قطر، هفتمین کشور هدف پس از هفتم اکتبر ۲۰۲۳ و عملیات های مکرر در لبنان، یمن و ایران نه تنها موقعیت منطقه ای اسرائیل را تقویت نکرد، بلکه آن را به تهدیدی مشترک برای دولت های منطقه بدل ساخته است. ادامه حمایت بی قید از اسرائیل نفوذ آمریکا را کاهش داده و دولت های منطقه را به سمت چین، اروپا و حتی روسیه سوق داده است. اگر آمریکا بخواهد اعتبار خود را حفظ کند، باید به نگرانی های مصر، خلیج فارس و ترکیه توجه کند و چار چوب های امنیتی تازه ای بر اساس تنش زدایی، پیشگیری از درگیری و همکاری اقتصادی ایجاد کند.»



سیاستمداران



انتخاب راهبردی شی

رئیس جمهور چین در جریان دیدار و مذاکرات با نخست وزیر روسیه تحکیم روابط دو کشور را «انتخاب راهبردی» آنها توصیف کرد. طبق اعلام «مائو نینگ»، سخنگوی وزارت امور خار چه چین، روز گذشته شی جین پینگ، رئیس جمهور چین با میخائیل میشوستین، نخست وزیر روسیه در شهر پکن و در محل «تالار بزرگ خلق» دیدار داشته و با او مذاکراتی را بر سر مسائل دوجانبه از جمله تجارت و اقتصاد برگزار کرد. رئیس جمهور چین در این دیدار خطاب به نخست وزیر روسیه گفت: «این که روابط چین و روسیه حفظ شده، توسعه یافته و تحکیم یابد انتخاب راهبردی مشترک هر دو کشور ما است.» شی جین پینگ گفت: «هر دو طرف باید هماهنگی نزدیک خود را حفظ کنند، همکاری ها را ارتقا دهند و سطح جدید و بالاتری از مشارکت را در صلح و توسعه جهان رقم بزنند.»



چرخش در سیاست ترکیه

در اقدامی غیرمنتظره، رهبر حزب حرکت ملی گرا و متحد نزدیک رئیس جمهور ترکیه اعلام کرد که آزادی رهبر پیشین حزب دموکراتیک خلق ها، می تواند «مفید» باشد؛ اظهاری که از احتمال تغییر رویکرد آنکارا در قبال مسئله کردها و روند سیاسی داخلی حکایت دارد. دولت باغچلی رهبر حزب حرکت ملی گرا و از متحدان اصلی رجب طیب اردوغان، رئیس جمهور ترکیه در اظهاراتی که بازتاب گسترده ای در محافل سیاسی و رسانه ای این کشور داشت، گفت: «ممکن است آزادی «صلاح الدین دمیرتاش» رهبر پیشین حزب دموکراتیک خلق ها به نفع کشور باشد.» این سخنان در حالی بیان شد که باغچلی در گذشته از سرسخت ترین مخالفان حزب دموکراتیک خلق ها و هرگونه گفت وگو با جریان های کرد به شمار می رفت. وی این سخنان را در گفت وگو با خبرنگاران مقابل پارلمان ترکیه مطرح کرد، آن هم در شرایطی که تنها یک سال از دعوت او برای آغاز روند جدید صلح با حزب کارگران کردستان (پکک) می گذرد؛ اقدامی که پیش تر سیاست های دولت اردوغان را نیز تحت تأثیر قرار داده بود.



تلاش برای احیای ارتش

نخست وزیر اسرائیل از طرح هایی برای گسترش شمار نیروهای ارتش، افزایش مدت خدمت نظامی اجباری و تقویت نیروهای ذخیره خبر داد. منابع خبری عبری زبان گزارش دادند که «بنیامین نتانیا هو» نخست وزیر رژیم صهیونیستی در نشست فرماندهان ارشد نیروهای ذخیره ارتش اسرائیل گفت: «ما نه تنها خاور میانه را تغییر دادیم، بلکه خودمان را نیز تغییر دادیم. اسرائیل به ارتشی بزرگ، نیرومند و هوشمند نیاز دارد. مدت خدمت اجباری را افزایش خواهیم داد و نیروهای ذخیره را تقویت می کنیم.» نتانیا هو گفت: «محاسبات دشمنان ما اشتباه بود. نیروهای ذخیره بر خلاف انتظار آنها دوباره بسیج شده اند. آنها در مورد ما و در مورد شما اشتباه کردند.» او در ادامه نیروهای ذخیره را «عنصری اساسی و حیاتی» توصیف کرد و وعده داد که ارتش منظم نیز توسعه خواهد یافت. با این حال، کارشناسان نظامی می گویند برنامه های نتانیا هو با واقعیت های میدانی همخوانی ندارد. ارتش اسرائیل در سال گذشته با کمبود بیش از ۱۲ هزار نیرو مواجه بوده و برای جبران این خلأ به سراغ به خدمت گرفتن زنان و یهودیان مقیم خارج رفته است.